

بسم الله الرحمن الرحيم
یا یاکافران
۱۲ راجع

حضرت محمد صلی الله علیه و آله طاعتی
شکرت مستور در اجتماعات و طاعتات متعدد در سطح مختلف گاه متوجه شده ام که عناصری مشکوک سعی در
خنه کردن بن جوانان طبقه کارگر و ناگاه و ساده لوح که تعدادشان متأسفانه با توجه به واقعیتی که درک
کرده ام کم هم نیست (افراد کمی که می بخورند روزنامه هم نمیخوانند و اکثرشان حتی سواد خواندن و نوشتن
هم ندارند) داشته و با سوءاستفاده از احساسات مذهبی و عدم آگاهی کافی ایشان مستقیم یا غیرمستقیم
و گاه از تشویق با خلول و کشش سوزی بهم زدن نظم اجتماعات با شعارهای تند و اعمال خشونت جدید به
اتوبوسهای خانه شرکت واحد و ارتش تحریک و تحریک افراد ارتش با دشنام و پرتاب شیاه
سعی در ایجاد آشوب و هتاشد دارند که شدت این اقدامات در چند روز اخیر به اوج رسیده است و این
چند روزه در محال در نگاه تهران افراد زیادی را مشاهده کرده ام که در زیر پایهای خود کار و دست و پا
میکشند و هر کس که بگذرد با کوبیدن تحریک میکنند و چنانچه شاهد بودم روز یکشنبه
گذشته به خیابان شیوخ که خرمین مردم که خود در یکی از نشانیها در آنجا میمانند بعضی جوانان در صدد بر
آمدند تا با خواهرانش در آنجا مانده و در آنجا میمانند و با کوبیدن و زدنهای خود و واهی نظامی
جمعیت انبوهی که در حال رفت و آمد به آنجا تهران بودند بشود سهم سهم خود همکاری میکردم و آنجا مانده
از این شرکت واحد وقتی متوجه دلیل اعتراضی مردم میشدند با عداوت و عصبانیت راه و آسود میگردند و آنجا نشسته
و توبیخ و تازانند و میگویند که داخل میدان عجب بودند از این کار امتناع کردند و این موقع متوجه شدم که چنانچه
با کار و دوشنه لاشتهای اتوبوسها را سوراخ میکنند و توفانهای با اصرار زیاد جمعیت را در پیوسته اند
بناچار توقف کردند و آنرا از این سوم حاضر بنیاد شده و با فشار روی پیدال کار از میان جمعی که دور از آن
را گرفته بودند بیرون رفت در توقف کسی از میان جمعیت منگی بزرگ و توبیخ پرتاب کرد و عده دیگری جمعیت ازاد
به جوب و تنگ با توبیخ حمل کردند در این موقع ترانه از یکی از طرف سار در آنجا تازی و تازی و تازی
نزدیکی شد و مورد دیگر روز دوشنبه گذشته وقتی در مجلس سخنرانی روحانیون سخن در آنجا حضور داشتم عده ای در
عده در کعبه توفانهای زیادی وارد شدند و نظم عصب را بهم زدند و پیکر نیمه جان شخصی را با تازی آوردند که
بعد از تحقیق متوجه شدم همان سرگرد ترانه تازی است و با ضربات کار و تسبیحی تازی شده بود و کتف سگفت در همین

آوردن او به انگاه چه لغز که سعی داشته دیگران او را نکند توسط عده ای مغرب و مجروح شدند.

همانروز صبح در حین عبور از جسر خمان زانه ارمی دیدیم که عده زیادی جبر خمان جمع شده و طاهر آقچه محمد
بر بزرگان مستور در حین راه دارند یک روح و حیه جوان می به سعی می کردند با ارشاد و راهنمایی شخصی آنرا
متوقف و از بروز حادثه جلوگیری نمایند ولی سعی بسیار این کمر در جمعیت تحریر شده اند داشت.

در مورد بسیار سعی کرده ام با خواجسته و اندرز مانع رفتار نادرست بعضی از اینها شوم ولی این قبیل اشخاص
باین سادگی خوف اقبال مرا نمی پذیرند. لذا در این لحظات محاسن با توجه با نیکو فرصت ارشاد

و اصلاح انگیزه افراد بسیار محدود و خط نوظهور بسیار بزرگ است بر خود لازم دانستم که فزایم اوقات لاف

آن رهبر مقتدر شده ضمن گزارش مراتب (از نظر حقیر) تقاضای نام چون همه طبقات اعم از مسلمان و غیر مسلمان

حتی لایحه ترین افراد از اشخاص حرف شوی مخصوص دارند چنانکه صلاح بدانند هر چه زودتر

مجلس و کار این مورد مختصر و مبسوط را بی برسانده و قابل فهم برای انبوه افراد با نیکو علم (رحم) در بالای مردم

و با جود درشت حادثه لغز باشد تا با تر از زیاد نگردد و خصوصاً در محلات جنوبی شهر توزیع شود

که در هر یک ارشاد این گروه از جوانان حاضرگاه که در خط انحراف از مسیر نهضت مقدس اسلامی قرار

دارند بسیار مورد توجه بود
۱۳۵۷/۱۱/۱۰ سعید برائتی کتابخانه آملین
کتابخانه آملین